

عنوان مقاله:

فرصت های تحقیقاتی پیرامون سیستم های اطلاعاتی حسابداری
با استفاده از نظریه ی نوع شخصیت و شاخص مایرز- بریگز (1)

ترجمه و تلخیص:

علیرضا رضوانپور - مهرداد جباری*

تهران میدان امام خمینی وزارت امور اقتصادی و دارایی طبقه چهارم اداره
کل نظارت بر ذیحسابیها

T_parseh@yahoo.com

فرصت های تحقیقاتی پیرامون سیستم های اطلاعاتی حسابداری

با استفاده از نظریه ی نوع شخصیت و شاخص مایرز- بریگز (1)

چکیده

الگوی شناختی، با مدل های کامپیوتری و داده پردازی از مغز انسان، مدت زمان زیادی است که تحقیقات مربوط به سیستم های اطلاعاتی حسابداری (Ais) را تحت سلطه خود قرار داده است. اگرچه این مدل ها به فهم از شناخت کمک می کنند اما به وضوح نمی توان گفت که این الگوها چه مقدار از ذهن انسان را توضیح می دهند.

نظریه ی نوع شخصیت (Ptt) مکملی برای علم شناخت است. نظریه ی نوع شخصیت (Ptt) به ویژه برای تحقیقات مربوط به Ais مفید می باشد زیرا وسیله ی روان سنجی مبتنی بر آن یعنی MbtI که بسیار معتبر و آزمایش شده است برای تحقیق و استفاده ی تجربی در دسترس می باشد. ما نظری اجمالی بر Ptt و MbtI داریم و سپس درباره ی چگونگی کمک ptt برای تکمیل و گسترش تحقیقات مربوط به Ais بحث می کنیم.

کلید واژه ها

نوع شخصیت: Personality

ویژگی شخصیت: Personality traits

نظریه ی نوع: type theory

روانشناسی جانگیان: Jungian Psychology

علم شناخت: Cognitive Science

شاخص مایرز- بریگز: Myers- Briygs Type indicator (MBTI)

پیشگفتار:

الگوی شناخت، به همراه مدل های شناختی کامپیوتری با استفاده از نرم افزارها، مدت زمان زیادی است که تحقیقات مربوط به سیستم های اطلاعاتی حسابداری (Ais) را تحت سلطه خود قرار داده است. یکی از نقاط قوت الگوی شناختی این است که کمی است و در نتیجه این امکان را برای فرد بوجود می آورد که، براساس این کمیت ها، پیش بینی ها را آزمایش کند. مزیت دیگر الگو، اتحاد و پیوستگی آن با علم کامپیوتر و نظریه ی پردازش داده ها، از طریق به کارگیری قالب های ورودی / پردازش / خروجی است. (Newell and Siman 1976).

مدل های شناختی، در مقیاس جهانی در تحقیقات مربوط به رفتار شناسی مورد استفاده قرار می گیرند و در شناخت ذهن بشر نقشی بنیادین دارند. اما به هر حال در مورد اینکه این مدل ها چه مقدار از ذهن بشر را توضیح می دهند اختلاف نظر هایی وجود دارد. گرچه برخی معتقدند که این مدل ها بخش عمده فرآیندهای ذهنی را بیان می کند. (Johnsan – Laird 1988) (Pinker 1997) دیگران اعتقاد دارند که این مدل ها فقط زیر مجموعه ی کوچکی از فرآیندهای ذهنی را بیان می کنند. (Fodor 2000).

نظریه ی نوع شخصیت (Ptt)، یک نظریه ی متداول در روانشناسی مبتنی بر شخصیت درونی از ذهن است که می تواند مکمل علم شناخت باشد.

به نظر جانگ (jung)، Ptt به ویژه برای محققان Ais مفید می باشد، زیرا این نظریه قالب هایی ارائه می دهد که در آن می توان فرآیندهای شناختی را در بافت وسیع تری درک کرد. که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

(Ptt) مولد ابزارهای سنجش هوش متعدد از جمله (شاخص مایرز-بریگز (MBTI)، (KYS) یا همان Keirsey Temperament Sonter، و (GTS) یا همان Jungian Type Survey) است که محققان می توانند به طور آزمایشی برای اندازه گیری و آزمون مفاهیم PTT از آنها استفاده کنند. خصوصاً MBTI، که به طور مبسوطی تأیید شده است، در زمینه های بی شماری از تحقیق ها به کار گرفته می شود.

این مقاله با طرح سؤالاتی که پاسخ آنها نقش بسزایی در تحقیقات Ais دارند، موقعیت هایی برای تحقیقات Ais مبتنی بر شخصیت شناسایی می کند. این مقاله دیدگاه جانگ را اتخاذ کرده و برای اینکه نشان دهد چگونه تحقیقات مربوط به ویژگی های شخصیت (PERSONALITY TRAITS) قادرند ساختار Ais را تعیین کنند، از MBTI استفاده می کند. با این حال این دیدگاه تنها نقطه نظر و یا الزاماً برجسته ترین نقطه نظر نیست اما تقریباً روشنگر حالت های ممکن است که می تواند با تلفیق نظریه های شخصیتی و تحقیقات Ais بدست آید.

در قسمت بعد درباره ی نظریه ی نوع شخصیت جانگیان (Jungian) و (MBTI) بحث می کنیم و نهایتاً در بخش آخر فرصت های تحقیقاتی و آموزشی آینده ی Ais را در زمینه ی شاخص مایرز-بریگز مورد بررسی قرار می دهیم.

نظریه ی شخصیتی جانگیان و MBTI

در نظریه ی شخصیت جانگ فرد به عنوان یک شخصیت کامل یا به عنوان مجموعه ای از خصیصه ها (یعنی خصلت ها یا سلايق) تجزیه و تحلیل می شود که یک نمونه ی شخصیت را تشکیل می دهند. طبق نظریه جانگیان خصلت های معینی در فرد وجود دارند که بر هم اثر متقابل می گذارند. برای مثال نوع «متفکر درون گرا که عمدتاً بر داده های حسی متکی است» متشکل از خصلت های متنوعی از جمله درون گرایی، تفکر، حس کردن و قضاوت است که با هم ترکیب شده تا شخصیت را به وجود آورند. یک خصیصه در یک نوع شخصیت، براساس کنش متقابل خصیصه هایش، ممکن است تأثیری متفاوت با تأثیر همان خصیصه در نوع دیگری از شخصیت داشته باشد.

براساس نظریه ی جانگیان، هشت خصیصه ی شخصیتی وجود دارد. این هشت خصیصه متشکل از دو جفت دو قطبی از فعالیت های ذهنی و دو جفت دو قطبی از رفتارها یا نگرش هاست.

نگرش های دو تایی:

برون گرایی (Extraversion) درون گرایی (Inteoversion)(Ei)

ادراک (Perceiving) قضاوت (Judging)(Jp)

فعالیت های ذهنی دو تایی:

درک (sensing) شهود (Intuition)(sn)

تفکر (Thinking) احساس (Feeling)(Tf)

اگرچه افراد تا حدی دارای هر هشت خصیصه می باشند اما یک خصیصه از بین 4 جفت دو قطبی بر بقیه غالب است. یعنی هر فرد، تمایل ذاتی به سمت یکی از دو خصیصه ی موجود در هر زوج دو قطبی دارد. این چهار خصیصه ی برگزیده (4 قطب غالب از میان 8 قطب) با هم کنش متقابل دارند تا خصوصیات غالب نوع شخصیت را تعریف کنند و گرنه یک فرد ممکن است با استفاده از چهار خصیصه ی دیگر شناخته شود. جانگ سه دو قطبی را بدیهی فرض کرد که منجر به 8 نوع شخصیت شد. چهارمین مقیاس دو قطبی - رفتار (Jp) - به وسیله ی مایرز و بریگز افزوده شد که انواع متشخص شخصیتی را به عدد 16 افزایش داد.

توصیفات نوعی می توانند خیلی پیچیده باشند و ممکن است براساس خصیصه های شغلی و سازمانی، خصیصه های آموزشی و روش های یادگیری، خصیصه های مربوط به تصمیم گیری و روش های شناختی توصیف شوند. جدول 1، شانزده نوع توصیفات شخصیتی را نشان می دهد در حالی که بر خصوصیات شناختی و تمایلات شغلی، که خصوصاً در مورد تحقیقات Ais قابل اجرا هستند، تأکید می ورزد. توضیحات شخصیتی جزئی تری نیز وجود دارد که شامل دیگر خصیصه ها، از جمله روش های یادگیری و خصیصه های ذهنی غیر شناختی یا غیر منطقی می شوند.

رفتارها، جفت های دو قطبی EI و JP

در نظریه ی جانگیان، رفتارها، نشان دهنده ی دیدگاه های بنیادین یک فرد در مورد جنبه های مادی و ذهنی جهان هستند. برون گرایی (E) و درون گرایی (I) رویکرد فرد را به سمت جنبه های درونی و بیرونی جهان توصیف می کند. برون گرایی نشان می دهد که توجه فرد عمدتاً

به دنیای بیرون معطوف است، مثلاً مردم و اشیاء. از سوی دیگر، درون‌گرایی نشان می‌دهد که فرد تمایل دارد که به دنیای خیالی و درونی جسم و ذهن معطوف شود. همان‌طور که در جدول 1 مشاهده می‌شود نوع‌های درون‌گرا بیشتر بی‌تفاوت متفکر دیده می‌شوند، در حالی که نوع‌های بیرون‌گرا بیشتر دلپذیر و خوش‌برخورد هستند. درک اینکه قضاوت‌هایی که با این خصوصیات مرتبط هستند هیچ ارزشی ندارند، دارای اهمیت است.

دومین رفتار در نظریه‌ی جانگیان از خصیصه‌های قضاوت (J) و دریافت (درک) (P) تشکیل می‌شود. رفتار JP نشان می‌دهد که هنگام برخورد با دنیای خارج، کدام فعالیت ذهنی غالب می‌شود؛ بدون در نظر گرفتن اینکه فرد بیشتر به دنیای خارج معطوف است (برون‌گرا) یا به محیط درون (درون‌گرا). بنابراین نگرش کلی را نسبت به دو فعالیت ذهنی نشان می‌دهد. هنگام برخورد با دنیای خارج افرادی که قضاوت را ترجیح می‌دهند، تدارک می‌بینند، فعالیت‌هایشان را سازماندهی می‌کنند و راه‌حل مشکلات را به کار می‌بندد. افرادی که دریافت (درک) را ترجیح می‌دهند به روشی ناتمام و موقتی با مشکلات برخورد کنند، به اندازه‌ای ممکن اطلاعات جمع‌آوری کنند و اگر ممکن باشد، مشکلات را حل نشده باقی می‌گذارند.

مطالعه‌ی انواع قضاوت‌کننده و دریافت (درک)‌کننده در جدول 1 نشان می‌دهد که انواع قضاوت‌کننده با اراده‌تر و متعهدتر هستند، درحالی‌که انواع درک‌کننده روشنفکر و پرسشگر هستند.

فعالیت‌های ذهنی، جفت‌های دو قطبی SN و TF

جانگ معتقد بود که تفاوت‌هایی که بین روش‌های ادراک و قضاوت افراد راجع به دنیا وجود دارد، بسیاری از تفاوت‌های شخصیتی و رفتاری مشاهده شده را توضیح می‌دهد. این گرایش به پردازش اطلاعات و داوری، علت تأکید زیاد جانگیان بر فعالیت‌های ذهنی را شرح می‌دهد. این موضوع، دلیلی برای پذیرش ظرفیت بالای نظریه‌ی جانگیان و MBTI در AIS می‌باشد.

در نظریه ی جانگیان دو فعالیت ذهنی دو قطبی وجود دارد: ادراک و قضاوت. فعالیت ذهنی ادراک دارای دو ویژگی است: حس کردن (S) و شهود (N). این دو خصیصه عمدتاً به عنوان راه های ورودی عمل می کنند که داده هایی را ایجاد می کنند که به وسیله ی عمل قضاوت پردازش می شوند. هر دو خصیصه، داده ها را از طریق حس های جسمانی و اندام های داخلی متعدد جمع آوری می کنند. ادراکات حسی، گسسته تر، منفصل تر و جزئی نگتر است در صورتی که ادراکات شهودی بیشتر بر ساختارها و روابط بین احساس و تجربیات متکی هستند به بیان استعاری، انواع حس گر «درختان را می بینند» در حالی که انواع شهودی «جنگل را می بینند». مقایسه ی انواع حس گر با انواع شهودی در جدول 1 نشان می دهد که انواع حس گر بیشتر واقع گرا و تیزبین هستند در حالی که انواع شهودی بیشتر با بصیرت و خلاق هستند.

عمل قضاوت بیشتر یک فعالیت پردازشی است که داده های تأمین شده بوسیله ی عمل دریافت (درک) را به خروجی های مفیدی تبدیل می کند که با اهداف سیستم سازگار است. قضاوت، دارای دو خصیصه است: تفکر (T) و احساس (F) در تفکر، فرد عقاید و تجربیات را بوسیله ی منطق به هم مرتبط می کند. تفکر، اغلب یک رویه ی غیر شخصی است. از سوی دیگر احساس یک فرآیند داوری است که شامل ارزش های گروهی و شخصی می شود. مقایسه ی این دو نوع در جدول 1 مشخص می کند که انواع متفکر تمایل به نشان دادن طبیعتی منطقی و عقلانی دارند، در حالی که انواع احساسی بیشتر آرمان گرا و دل رحم هستند.

جدول شماره یک

16 نوع شخصیت با ویژگی های شناخت و به کار گیری گرایش

Accupational cognitive

درک (S)		شهود (N)		
(F)	احساس تفکر (T)	(I)	تفکر	احساس (F)
درک نگرا (I)	ISTJ (J) قضاوت	ISFJ	INFJ	INTJ
	اهل عمل، معقول، قاطع، منطقی، گرایش به ورودی ها، مدیر و هدایت کننده	اهل عمل، جدی، مشارکتی، نفوذپذیر، گرایش به ورودی ها، مذهبی	با بصیرت، نمادی، آرمانگرا، متعهد، مهربان، توجه به ورودی ها، مذهبی، اهل مشاوره و تدریس	با بصیرت، متفکر با دید باز، شفاف، منطقی، توجه به ورودی ها، اهل رشته های علمی، کامپیوتر و تکنیکی
	ISTP (P) ادراک	ISFP	INFP	INTP
	حل مسائل از طریق منطقی، عملگرا، واقع گرا، توجه به فرایند، مهارت های حرفه ای و رشته های تکنیکی	قابل اعتماد، مهربان، نفوذپذیر، هوشیار، عملگرا، جدی، توجه به فرایند ها	نفوذپذیر، آرمانگرا، کنجکاو، خلاق، رویایی، توجه به فرایند ها، مشاوره، اهل نویسندگی و هنری	منطقی، کنجکاو، با بصیرت، متفکر، توجه به فرایند ها، اهل رشته های علمی و تکنیکی
پرو نگرا (E)	ESTP (J) قضاوت	ESFP	ENFP	ENTP
	هوشیار، فعال، حل مسائل از طریق استدلال و منطقی، مدعی، توجه به ورودی ها، اهل بازار و تجارت، و مهارت های حرفه ای	هوشیار، خاص، فعال، دلسوز، آرمانگرا، خونگرم، توجه به ورودی اهل تدریس	کنجکاو، خلاق، انرژی، دوست داشتنی، مشارکتی، خونگرم، توجه به ورودی ها، اهل مشاوره و تدریس، مذهبی	خلاق، پریندار، تئوری پرداز، تحلیل گر، منطقی، محقق، توجه به ورودی ها، دانش محور، اهل مدیریت و تکنولوژی
	ESTJ (P) ادراک	ESFJ	ENFJ	ENTJ
	منطقی، قاطع، سیستماتیک، عملگرا، توجه به فرایند ها، مدیر و هدایت کننده	واقع گرا، جذاب، اهل مشارکت، عملگرا، قاطع، توجه به فرایند ها، مذهبی	مهربان، وظیفه شناس، پریندار، دوستدار تفاوت، حامی، توجه به فرایند ها و تدریس، مذهبی	تحلیل گر، مدعی، تفکر مفهوم گرا، طراح و نوآور، توجه به فرایند ها، اهل مدیریت و هدایت

شاخص مایرز - بریگز (MBTI)

شاخص مایرز - بریگز ابزار اولیه ی روان سنجی برای اندازه گیری مفاهیم نظریه ی جانگیان و تعیین انواع شخصیت است. پرسشنامه ی MBTI در یک قالب بندی انتخاب بسته تنظیم شده است و از زمان اولین انتشارش در 1962، تجدید نظرهای زیادی در آن صورت گرفته است و نسخه های MBTI که در تحقیق به کار برده می شوند، فرم های M, J, G, F هستند که فرم های G, M هنوز کاربرد دارد.

MBTI با شناسایی چهار گزینه ی هر فرد در ابتدا هر شخص را در یکی از انواع 16 گانه شخصیتی، دسته بندی می کند؛ به این معنای که در مورد شخص E یا I یا S, I یا F, N یا T یا J یا P را برمی گزیند. 4 گزینه سپس با هم ترکیب می شوند تا نوع شخصیتی را از طریق یک بر هم کنش 4 سویه، تولید کنند. بنابراین، این آزمون در درجه اول یک شاخص تفکیک گر است که هر شرکت کننده را براساس نتایج بدست آمده از مقیاس های دو قطبی در یک نوع شخصیتی دسته بندی می کند. در PTT، بر هم کنش 4 سویه، هدفمندترین سطح تجزیه و تحلیل است.

محدودیت های MBTI

MBTI محدودیت هایی دارد. یکی از محدودیت ها از فرضیه ی جانگ مبنی بر اینکه «گزینش ها و نوع ها، فطری و تغییر ناپذیرند» ناشی می شود. این فرضیه از پشتوانه ی تجربی و مطالعات مربوط به ثبات زمانی که تا 50 سال طول کشید برخوردار شد. این جنبه ی شخصیت کاربرد MBTI را محدود می کند؛ به این معنی که MBTI مثلاً برای آزمایش هایی که در پی یافتن اثرات قبل و بعد از معالجه هستند، مناسب نیست. با این حال، نظریه بر این باور است که نیرویی که افراد با آن خصیصه های معینی را برمی گزینند با گذر زمان تغییر می کند. MBTI این جنبه ی شخصیت را با یک شاخص Preference clarity index اندازه گیری می کند. معمولاً وضوح گزینه در نوجوانی بیشتر می شود، در اوایل بزرگسالی و میانسالی به اوج خود می رسد و دوباره در کهنسالی کاهش می یابد. محققان می توانند شاخص وضوح گزینه را برای شناسایی تغییرات در یک گزینش به کار برند.

دومین محدودیت MBTI طبیعت دو قطبی مقیاس هاست. MBTI بیشتر جهت یک گزینش را بدست می دهد تا قدرت آن را به این معنی که MBTI برای دسته بندی و طبقه بندی مناسب است ولی یک اندازه گیری پیوسته را تأمین نمی کند. با این همه این ویژگی مانع از این نمی شود که مقیاس های MBTI را به عنوان اندازه های پیوسته تلقی کنیم. در واقع محققان از جمله جانز ولاندیری این تعبیر پیوسته را در تحقیقات پیشین به کار برده اند.

سوم اینکه، PTT و MBTI دو روش کلی برای تحقیقات در اختیار محققان قرار می دهند. محققان می توانند از نوع کلی - ترکیب چهار سویه ی جفت های دو قطبی برگزیده (مثلاً INTJ) - یا یک گزینه ی تنها و یا از یک ترکیب دو سویه یا سه سویه ی خصیصه ها یا گزینه ها استفاده کنند (مثلاً N یا NT یا NU). محققان می توانند روش قبلی را برای تحقیق در مورد توزیع نوع ها در یک نمونه یا جمعیت به کار ببرند.

مطالعاتی که در بخش بعد ذکر می شود خصیصه های غالب، ترکیب خصیصه ها و گونه ها را در بین حسابدارها و دانشجویان حسابداری، بررسی می کند. روش بعدی به طور کلی از خصیصه های فردی یا ترکیب های دو یا سه سویه آنها استفاده می کند تا خصوصیات ویژه ی افراد را در ارتباط با وظایف خاص یا موقعیت های نادر تحقیق کند. مثلاً دو فعالیت ذهنی NS و FT به تنهایی یا در ترکیب دو سویه می تواند نماینده ی روش شناختی باشد.

نهایتاً، در حالی که محققان واقعیت و اعتبار MBTI را اثبات کرده اند و اسناد مربوط به آن به وسیله ی آنان مورد استفاده قرار گرفته است اما این احتمال وجود دارد که این اسناد ممکن است تغییرات شخصیتی قابل اندازه گیری را در ارتباط با دیگر متغیرهای مورد تحقیق به ما عرضه نمایند.

این موضوع در رابطه با ابزارهای هوش سنجی که می کوشند فرآیندها و پدیده های ذهنی پیچیده را در ابعاد کوچکی اندازه گیری کنند، کاربرد دارد. چنین ابزارهایی نه قادرند اندازه گیری کنند و نه می توانند ادعا کنند که قادرند تمام جنبه های ذهن یا شخصیت را تسخیر نمایند. با توجه به این مسائل، محققان AIS باید MBTI را به عنوان بهترین وسیله در مقایسه با دیگر ابزارهای سنجش هوش در نظر بگیرند.

در بخش بعدی، با در نظر گرفتن اینکه MBTI وسیله‌ی مناسبی برای استفاده در تحقیقات IS است، به جزئیات در این باره خواهیم پرداخت. شایان ذکر است که عموماً MBTI زمانی باید مورد استفاده قرار گیرد که محقق بیشتر علاقه مند به تحقیق است تا جنبه‌های دیگر رفتار. منظور، زمانی است که هدف محقق، درک کردن فرآیندهای ذهنی‌ای است که در حین ارائه‌ی پاسخ رخ می‌دهد. (یعنی در داخل جعبه سیاه). اما اگر محققان در پی یافتن تغییراتی که در ذهن یا شخصیت افراد به وجود می‌آید هستند استفاده از MBTI مناسب نیست. بنابراین استفاده‌ی مناسب از MBTI زمانی است که می‌خواهیم تغییرات را در میان افراد مختلف بررسی کنیم نه در یک فرد خاص.

همانگونه که در ابعاد دو قطبی SN و TF نشان داده شد، MBTI برای تحقیق شناختی مناسب است زیرا این ابعاد می‌توانند مستقیماً برای اندازه‌گیری سبک شناخت و قابلیت‌های حل مسأله مورد استفاده قرار گیرند. اما اگر کارهای ساده‌ای در نظر گرفته شود شانس یافتن تفاوت‌های مربوط به تصمیم‌گیری و حل مشکلات میان افراد با تفاوت‌های شخصیتی، بسیار کم است. به هر حال با افزایش پیچیدگی وظیفه، احتمالات، نیز افزایش می‌یابند زیرا اغلب وظایف پیچیده از راه‌های مختلفی قابل حل هستند. به همین نحو اگر محقق درباره‌ی متنی که در آن وظایفی در حال حل شدن است، تحقیق می‌کند، MBTI مناسب می‌باشد. برای مثال ابعاد دو قطبی EI و JP به محقق این امکان را می‌دهد که جنبه‌های غیر شناختی رفتار حل مشکلات را امتحان کند.

خلاصه‌ی تحقیقات حسابداری مبتنی بر MBTI

جدول شماره 2 خلاصه‌ای از دو دهه تحقیق در رابطه با روش حسابداری با استفاده از MBTI است. روی هم رفته، این تحقیق‌ها نشان می‌دهد که ثبات شخصیتی بالایی در شرکت‌کنندگان در این تحقیقات وجود دارد. مخصوصاً آن‌هایی که به صورت حرفه‌ای مشغول به کارند.

جدول شماره 2

تحقیقات حسابداری با استفاده از MBTI

پانل الف: حسابداران حرفه ای

منبع	نمونه	نتایج
جاکتون (1980)	91 حسابدار و مدیر مالی	متغیرها اغلب (STJ) (38/5%)، 25/3% ISTJ و 13/2% ESTJ نمونه بودند و 58% از نمونه درونگرا بودند.
جاکتون (1981)	333 حسابدار 8 موسسه بزرگ و شرکت ها	STJ غالب بود. (33/6%)، ISTJ در 19/8%، ESTJ در 13/8% شرکت های حسابرسی و مالیاتی و مدیران بیشتر به سمت TJ بودند تا افراد در سطوح حرفه ای شرکت های حسابرسی و مدیران بیشتر از شرکت های مدیران در بخش مالیات و مشاوران به سمت IS گرایش داشتند.
اوت (1984)	494 عضو CPA در شرکت های کوچک محلی	اعضای CPA در شرکت های کوچک محلی اغلب به صورت STJ بودند (45/9%)
دسوزی (1989)	36 ممیز مالیاتی	100% ممیزان مالیاتی از نوع درک بودند. 58% درونگرا، 81 درصد از نوع قضاوت و 44% به طور غالب STJ بودند.
کریزی ات آل (1990)	182 عضو CPA، 92 کارمند بانک و 113 عضو FEI	اعضای CPA توسط سایر حرفه ای ها به عنوان درونگراهای ابتدایی با ترجیحات STJ، درک شده بودند این مشاهدات قوی تر از درصدهای واقعی میان اعضای CPA بودند.
چنحال و موریس (1991)	64 مدیر سطح میانی	مدیران نوع شهود در تصمیم گیری تخصیص منابع هزینه فرصت بیشتر از گروه درک را در نظر می گیرند.
وامن ات ال (1993)	25 حسابرسان عملیاتی از سه مؤسسه بزرگ	گروه اغلب دارای ویژگی درک بودند (68%) که اغلب آنها دارای ویژگی تفکر بودند (56%) اما نه به طور معنی دار. گروه متفکر پذیرش بیشتری نسبت به اطلاعات داشتند و بیشتر در مورد پردازش اطلاعات حرف می زدند و ابهام کمتری را نشان می دادند.
اسکار براک (1993)	255 مدیر میانی 8 بزرگ	گروه قضاوت نشان دادند که رضایت شغلی بیشتری دارند. جنسیت عامل مهمی در رضایت بود. خانم ها رضایت شغلی بیشتری نشان دادند. (مقیاس های ا، T و L و STJ)
ساتاوا (1996)	439 عضو CPA از مؤسسات محلی و ملی	تفاوتی بین SN، IF و JE در بین شرکت های محلی و ملی نبود. در هر دو نوع شرکت STJ غالب بود. اغلب شرکت های ملی به بیرون گرایی گرایش داشتند در حالی که شرکت های محلی به سمت درون گرایی تمایل داشتند.

جدول شماره 2 (۱۵۱مه)

تحقیقات حسابداری با استفاده از MBTI

پانل ب: تحقیق روی دانشجویان و استادان حسابداری

نتایج	نمونه	مرجع
دانشجویان نوع درک و تفکر در روش سخنرانی بهتر بودند. دانشجویان نوع شهود و احساس در روش استفاده از کامپیوتر بهتر بودند.	89 دانشجوی سال اول دوره لیسانس	اوت ات آل (1990)
نتایج قابل انتظار معنی داری بین گروه SN نبود. دانشجویان نوع درک از نوع شهود در سه تا از 7 رشته حسابداری بهتر بودند.	103 دانشجوی میانی دوره لیسانس	نورایی و جری (1993)
دانشجویان حسابداری اغلب STJ بودند که آنها را از سایر دانشجویان متمایز می کند. با فیلتر کردن پردازش سبب شد E، F، N و P کاهش را ترجیح می دهند و A، S، T و L افزایش را ترجیح می دهند.	320 دانشجوی سال اول دوره لیسانس	لاریبی (1994)
STJ غالب بودند (42%). دانشجویان نوع شهود و تفکر علاقه کمتری به کامپیوتر نشان دادند.	88 دانشجوی سال آخر دوره لیسانس	لاریبی ات آل (1996)
دانشجویان از فارغ التحصیلان و استادان حسابداری از چندین بعد متفاوت بودند. فارغ التحصیلان و استادان تفاوتی با هم نداشتند. تفاوتی بین ترجیحات و نحوه عمل آنها دیده نشد.	152 دانشجوی سال اول دوره لیسانس، 94 فارغ التحصیل حسابداری و 98 استاد	وولک و نیکولای (1997)
تفاوت معنی داری بین ترجیحات و نحوه عمل آنها مشاهده نشد.	344 دانشجوی دوره مقدماتی انگلیس در رشته حسابداری	اوزویک و باربر (1998)
دانشجو در سه نمونه دارای ترکیب 86-80% S، 58-64% دارای ترجیحات T، 68 تا 80% دارای ترجیحات J بودند. ترکیب STJ به صورت 38 تا 46% غالب بود.	3 نمونه شامل 149، 161 و 150 دانشجو بین سال های 1992 تا 2000	کاوای ات آل (2003)
جفت ترکیبی با ترجیحات S و N تحت تسلط جفت cut performed که تنها دارای ترجیحات S بودند اگرچه تفاوتی در نحوه عمل بین جفت های با ترجیحات S و N دیده نشد و جفت ها شامل تنها ترجیحات N بودند.	94 دانشجوی سال سوم حسابداری مدیریت	چنگ ات آل (2003)

فرصت های تحقیقاتی AIS، با استفاده از MBTI

فرصت های تحقیقاتی آموزش AIS

یک زمینه ی نوید بخش پژوهش در آموزش AIS به یک یافته ی لاریبی مربوط می شود. به نظر می رسد یک جریان فیلتر گذاری در آموزش حسابداری اتفاق می افتد که فشارهای گزینش را بر دانش آموزانی که I, S, T یا J را ترجیح می دهند وارد می کند. از آنجا که بعضی مهارت های فناوری اطلاعات در گونه های غیر STJ مشاهده می شود، ما بر این گمانیم که این فیلتر گذاری ممکن است برای آموزش AIS مضر باشد زیرا گونه های STJ که معمولاً خود حسابداری را انتخاب می کنند، ممکن است از روی علاقه متمایل به آموختن مهارت های مبتنی بر کامپیوتر نباشد. با این همه ممکن است که جریان های فیلتر گذاری که در آموزش AIS اتفاق می افتد با آنچه که بوسیله ی لاریبی در درس های غیر AIS مشاهده شد متفاوت باشند. محققان در آینده می توانند به طور تجربی به این مطالب پردازند.

دو تحقیق دربرگیرنده ی دروس مقطع کارشناسی حسابداری به نتایج متناقضی در مورد رابطه ی عملکرد تحصیلی و شخصیت رسیدند. یافته های نورایی و چری (1993) نشان می دهد که رابطه ی مهمی بین خصیصه های شخصیتی و عملکرد تحصیلی وجود دارد. در حالی که این مسئله در مورد نتایج باربر و اوزویک (1998) صدق نمی کند. این مسئله سؤالاتی درباره ی رابطه ی بین شخصیت و عملکرد در درس های تطبیقی AIS ایجاد می کند. مثلاً آیا عملکرد تحصیلی در درس های AIS تعیین می کند که چه کسی AIS را انجام دهد، یا آیا جنبه های شخصیتی، عوامل تعیین کننده ی اولیه هستند؟ ضمناً آیا شیوه های یادگیری در بین نوع های شخصیتی متنوعند و بر چگونگی عملکرد تحصیلی اشخاص تأثیر می گذارند؟ MBTI برای تحقیق در مورد مطالب شیوه های یادگیری، مانند نحوه ی ارائه ای، کتبی در مقابل نحوه ی ارائه ی شفاهی، سلیق تیمی یادگیری در مقابل سلیق فردی یادگیری، محتوای عینی و مادی در مقابل محتوای نظری و مسائل سازمان یافته در مقابل مسائل ناتمام به کار می رود. جستجوهای به عمل آمده دو مطالعه را نشان داد که مطالب شیوه ی یادگیری حسابداری را با استفاده از MBTI، بررسی می کردند، و جالب اینکه هر دو تحقیق با جنبه هایی از AIS درگیر بودند و لاندری (1996) مفهوم «ترس از کامپیوتر» را مورد مطالعه قرار داد و اوت (1990) پذیرش دانشجو را در مورد کلاس های کنفرانسی در مقابل آموزش با کمک کامپیوتر آزمود.

تحقیقات در مورد رابطه‌ی بین سلايق دانشجو و شیوه‌های یادگیری می‌تواند مریدان AIS را در طراحی برنامه‌های آموزشی و متدهای تدریس بهتر یاری کند.

رابطه‌ی بین روش‌های تدریس و شیوه‌های یادگیری به خاطر تفاوت‌های نوع‌های شخصیتی مدرسان و دانشجویان پیچیده است. والک و نیکولا (1997) تفاوت‌هایی در میان شخصیت‌های دانشجویان مقطع کارشناسی حسابداری، دانشجویان فارغ‌التحصیل حسابداری و هیأت علمی حسابداری یافتند. این مطالعه روش‌های تدریس را به عنوان یک متغیر دربرنگرفت، اگرچه این متغیر یک ضمیمه طبیعی تحقیق بود. ممکن است مریدان ترجیح دهند که AIS را به روش‌هایی مخالف با شیوه‌های یادگیری دانشجویان عادی حسابداری STJ تدریس کنند، مثلاً مریدان حسابداری مایلند که با خصیصه‌های غالب N باشند و ترجیح دهند نظریه‌ها و انتزاعیات را تدریس کنند، در حالی که دانشجویان حسابداری مایلند که با خصیصه‌ی غالب S باشند و ترجیح می‌دهند که با استفاده از واقعیات و مثال‌ها یاد بگیرند. بنابراین تحقیقات می‌تواند روشن کند که چگونه استفاده‌ی عاقلانه از MBTI، می‌تواند اطلاعات ما را در مورد پویایی کلاس‌های AIS، با بررسی برهم‌کنش‌های بین محتوای درسی، سلايق تدریسی استادان و شیوه‌های یادگیری دانشجویان حسابداری، افزایش دهد.

فرصت‌های بنیادی تحقیقات AIS

به عنوان یک نقطه‌ی شروع برای محققان AIS که از MBTI استفاده می‌کنند، می‌توانیم دانشجوی عادی حسابداری را با دانشجوی عادی IS مقایسه کنیم. مطالعات قبلی در حسابداری، بر STJ به عنوان نوع غالب در حرفه‌ی حسابداری اصرار می‌ورزد. تحقیقات غیر حسابداری MBTI نشان می‌دهد که دانشجویان علاقه‌مند IT یا کسانی که مهارت‌های کامپیوتری بالاتر از سطح متوسط، مایلند که خصیصه‌های شخصیتی متفاوتی را برگزینند که بیشتر شهودی هستند تا حسی، دانشجویان غیر حسابداری در این مقوله‌ها گرایش به نوع‌های متفکر دارند، اگرچه بعضی محققان اظهار می‌دارند که نوع‌های احساسی ممکن است در موارد به خصوصی از برنامه‌ریزی بهتر باشند. چندتا از نویسندگان AIS، از روی جریان‌های تحقیقاتی غیر MBTI اظهار می‌کنند که مهارت‌های کسانی که به کارهای حسابداری می‌پردازند و متکی بر IT می‌باشند با مهارت‌های مرسوم حسابداران، یعنی مهارت‌هایی که مبتنی

بر IT نمی باشند، متفاوت است. به نظر می رسد گروه اول بیشتر مبتکر و خلاق، انتزاعی تر، کمتر خطی گرا، کم تر واقعیت گرا نسبت به گروه دیگر باشند. مطالعات MBTI نشان می دهد که گروه اخیر سلايق STJ دارند، که تمایل دارند فرآیندهای ذهنی ای را القا کنند که عمدتاً عینی و ملموس، خطی و واقعیت گرا هستند.

از آنجا که AIS هم حسابداری و هم IT را در بر می گیرد، دو دسته موضوعات تحقیقی پیش می آید. اولین دسته مسائل جمعیت شناختی را نشان می دهد که به توزیع نوع ها و خصیصه های مرجع در بین حسابداران درگیر فعالیت های AIS معطوف است. دومین دسته ی مسائل، مسائل تطبیقی خصایص هستند، که میزان تأثیر گذاری عملکرد نوع ها و خصیصه های متفاوت را در کارهای AIS می آزماید. ما این زمینه ی دوم را نویدبخش تر از روش توزیعی نوع ها می دانیم، چه در مورد کیفیت توزیع و چه در مورد ارتباط موضوعی. برای بحث دقیق تر و جزئی تر در این زمینه ما بخش بعدی را به 3 مقوله تقسیم کرده ایم: شناخت، تأثیر گذاری و انگیزش. این روش 3 مقوله ای توانایی PTT و MBTI را در عنوان کردن تجربی مطالب مشخص می سازد.

موضوعات شناختی

محققان می توانند از MBTI برای بررسی پیوند میان شناخت انسان و AIS، به طرق مختلف استفاده کنند. اولاً رابطه ی نزدیکی بین PTT و مدل ورودی / پردازش / خروجی / باز خورد (Feedback) شناخت، وجود دارد که برای نظریه ی سیستم ها و AIS بنیادین است. محققان عمدتاً زوج دو قطبی NS را از دیدگاه فعالیت های ذهنی ورودی مورد ملاحظه قرار می دهند، در حالی که زوج دو قطبی TF را به عنوان فعالیت های ذهنی پردازشی توصیف می کنند. دوم اینکه شناخت MBTI می تواند به عنوان شاخصی برای روش شناختی عمل کند، همچنان که در بحث های قبلی در مورد هابر (1983) نشان داده شد، مدت زیادی موضوع مهمی برای تحقیقات بوده است. سوم اینکه MBTI ابزاری برای بررسی جنبه های بافتی یا جنبه های قالبی شناخت فراهم می کند که یک مساله مهم در علم شناخت است. زوج های دو قطبی IS و JP عمدتاً فعالیت های ذهنی TF و NS را تنظیم می کنند و جنبه های شخصیتی غیر قابل محاسبه و غیر منطقی را به شناخت انسان می افزاید.

بعضی از موضوعات شناختی مورد علاقه ی محققان AIS - که در بافت های غیر AIS با استفاده از MBTI بررسی می شود - مدل حل مسئله ی "ورودی / پردازش / خروجی / بازخورد" نحوه های ارائه اطلاعات، شیوه ی شناختی، تصمیم گیری، نقش یادگیری در تصمیم گیری هدفمند، روش شناختی به عنوان وابستگی یا ناوابستگی رشته و پیچیدگی شناختی، تصمیم گیری گروهی و روش شناختی و یادگیری هستند. اگر چه این لیست کامل نیست، با این حال توان بالقوه MBTI را برای محققان AIS آشکار می کند. ما تنها از دو تحقیق مبتنی بر شناخت که از MBTI استفاده کرده و به عملکرد کاری حسابداری حرفه ای مربوط می شود مطلعیم؛ این تحقیق ها حسابرس هایی را که کارهای مرسوم را انجام می دادند، مورد مطالعه قرار دادند و مقیاس های SM و TS به عنوان متغیرهای غیر کنشی به کار بردند، (یعنی به عنوان خصیصه های تنها). یقیناً دیگر زمینه های حرفه ای در حسابداری برای تحقیق در مورد رابطه های بین خصوصیت های شخصیتی، عملکرد های کاری و شناخت باز است، خصوصاً با در نظر گرفتن تغییرات بی شمار اخیر در کارها، مسئولیت ها و انتظارات از حسابداران در زمینه هایی که به IT مربوط هستند (مثلاً : خدمات بیمه، مشاوره فناوری اطلاعات، سرویس های ریسک کاری و مدیریت ریسک IT). به خصوص، تحقیقات در این زمینه ها با بکار بردن بر هم کنش های انتخابی و نه صرفاً خصیصه ها، ارزشمند خواهد بود. ما معتقدیم که تحقیقات مبتنی بر MBTI در دو زمینه بعدی، یعنی تأثیرگذاری و انگیزش پتانسیل بیشتری را برای تحقیقات ایجاد می کند.

موضوعات تأثیرگذاری

در حالی که جنبه های شناختی (یعنی فعالیت های ذهنی NS و TF) در مرکز نظریه شخصیت قرار دارند، دو جنبه رفتاری (جنبه های EI و JP) چارچوبی را فراهم می کنند که در آن شناخت رخ می دهد. تأثیرگذاری و انگیزش دو مشخصه اساسی انسان ها هستند که آنها را از موجودات منحصرأ محاسباتی مانند کامپیوترها متمایز می سازند.

محققان، تأثیرگذاری را بوسیله ی حضور احساس، ترجیح، عاطفه، تعهد و باور، از شناخت و انگیزه متمایز می سازند. ترجیح، یک بخش اصلی نظریه ی شخصیت است که در آن PTT اظهار می کند که هر فرد یکی از دو خصیصه ی موجود در هر کدام از مقیاس های دو قطبی

را ترجیح می دهد. منشاء این ترجیح، محاسبات سود جویانه نیست، بلکه ذاتی و فطری است. بعد TF، خصیصه ی احساسی را به کار می گیرد تا یک ترجیح را بوسیله ی فرد برای دخالت دادن باورها و ارزش های شخصیتی (برخلاف منطق و واقع بینی) در تصمیم گیری نشان دهد.

حققان AIS هم چنین ممکن است بررسی کنند که افراد غیر حرفه ای در زمینه AIS چگونه دیگران را که فعالیت های AIS انجام می دهند درک می کنند و بر آنها تأثیر می گذارند و یا بر عکس. (مثلاً حسابرسان مالی چه دیدگاهی در مورد حسابرسان IT دارند و یا حسابرسان IT فکر می کنند که حسابرسان مالی چه دیدگاهی در مورد آنها دارند؟).

یک مثال در مورد اینکه چگونه MBTI می تواند به محققان AIS در تحقیق در این زمینه کمک کند مربوط به نظریه ی انتساب است. نظریه ی انتساب فرآیندی را تعریف می کند که ما بوسیله ی آن منشاء اعمال شخصی را، خصوصاً در دیگران، می یابیم. این نظریه بوسیله ی Nouri (1999) استفاده می شده است. MBTI در تحقیقات در مورد این نوع انتساب استفاده می شده است. بنابراین محققان ممکن است از MBTI برای بدست آوردن اندازه گیری هایی از فهم دیگران نسبت به ما استفاده کنند که این امر مورد علاقه ی محققان AIS بوده و جنبه های فردی، مدیریتی و گروهی محیط AIS را بررسی می کنند.

موضوعات انگیزش و جنبه های اخلاقی

هر چند وجه تمایز انگیزش و اثرگذاری واضح نیست، عوامل انگیزش کیفیتی خارجی دارند که در اثرگذاری وجود ندارند. انگیزش معمولاً شامل محرک ها، پاداش ها، فشار هم سن و سالان و نظام اخلاقی می شود. از قدیم، محققان AIS علاقه ی زیادی به عوامل انگیزشی داشته اند چون تأثیر عوامل خارجی بر رفتاری که مشاهده می کنیم، الگوی اصلی در تحقیقات رفتاری محسوب می شود. در تحقیقات AIS عوامل انگیزشی به موضوعاتی خارجی از جمله پذیرش IT و مدیریت و تغییر در اجرای سیستم ها، مربوط هستند.

آگاهی از ترجیحات خصیصه ای فهم ما را از این که چرا مردم، مصنوعات IT را به صورت های متفاوتی ترجیح داده، بها می دهند و ارزیابی می کنند، افزایش می دهد.

کاف (1989) می گوید که بالاترین سطح فهم سیستم مربوط به فهم فرد ارزش گذار است. محققان از MBTI برای بدست آوردن جنبه های اخلاقی افراد استفاده کرده و بیان کرده اند که MBTI هم چنین می تواند بوسیله ی محققانی که موضوعات اخلاقی را در AIS بررسی می کنند، به کار رود.

تحقیقات گروهی، استعداد MBTI را در بررسی انگیزش در AIS بیان می کند. «پروژه ی راهبرد Aicpa بر درک کار گروهی مؤثر در گروه های گوناگون با کار ترکیبی به عنوان یک مجموعه مهارت ضروری برای محیط حسابداری جدید، تأکید می شود». متخصصان AIS معمولاً به کارهای گروهی می پردازند، مانند طراحی سیستم و مشاوره ی اجرایی. به جز توانایی حل مشکل گروه ها (که می تواند بوسیله ی توزیع فعالیت های ذهنی و اطلاعات در بین اعضای گروه امتحان شود)، مطالبی در کار گروهی وجود دارد که به پویایی گروه کمک می نماید.

مثلاً برون گرایان و درون گرایان واکنش های متفاوتی در کار یا دیگران دارند. برون گرایان این فرآیند را انرژی بخش می یابند، در حالی که درون گرایان آن را پر زحمت و دشوار می یابند. تفاوت بین این دو ترجیح هم چنین بر ارتباطات گروهی تأثیر می گذارند که به نوع خود بر عملکرد گروه اثر می گذارد. همین طور، یک زمینه ی آزاد دیگر برای تحقیقات مبتنی بر MBTI، کنش متقابل ساختارهای شخصیتی بین مراجعین و گروه های حسابرسی کننده یا مشاوره دهنده است.

مفاهیم عملی تحقیقات MBTI

ما بعضی از مفاهیم عملی تحقیقات AIS مبتنی بر MBTI را بیان کرده ایم. در این جا برخی نکات کلی تر را خلاصه می کنیم. اولاً نظریه ی شخصیت اظهار می کند که نوع ها و سلاقی خصیصه ای در طول زمان تغییر نمی کنند. بنابراین حتی اگر تحقیقات، همبستگی هایی بین عوامل شخصیتی و موضوعات مختلف AIS بیابند، این سؤال پیش می آید که چرا این موضوع مورد توجه و علاقه است - خارج از کنجکاوی علمی - چون ما نمی توانیم شخصیت های مورد بررسی را تغییر دهیم. با این حال، در حالی که نوع ها و خصیصه ها، یکسان باقی می مانند، سطح آگاهی فرد از ماهیت نوع خود و ساختار خصیصه ای است که در طی زمان می

تواند تغییر کند؛ همانطور که بوسیله ی شاخص وضوح ترجیح در MBTI بیان شده است. افراد می توانند قوت یا ضعف سلايق خود را دریابند. مثلاً آنها می توانند دریابند که چگونه خصایص غیر ترجیحی خود را به کار برند و چگونه خصایص ترجیحی شان را قوت بخشند.

براساس نظریه، برتری یک خصیصه هیچ گونه قضاوت ارزشمندی را به این معنی که خصیصه، خوب است یا بد، و یا خصیصه به طور مؤثری به کار رفته است یا خیر، متضمن نمی شود. شخصی که عمدتاً درون گرا است ممکن است بوسیله ی این خصیصه تأثیر بپذیرد یا تأثیری نپذیرد. بنابراین به عنوان مثال: تحقیقات، می توانند راه هایی برای یک فرد بیابند تا به عنوان یک درون گرا مؤثرتر باشد، ضعف های مربوط به این خصیصه را درک کند و به آنها پردازد، و در شرایط مناسب از خود برون گرایی نشان دهد.

یکی از قوی ترین یافته ها در تحقیقات مربوط به حسابداری مبتنی بر MBTI، همگونی انواع شخصیتی است که جذب حسابداری شده و در این حرفه باقی مانده اند. ما انتظار داریم که این مسئله، به طور گسترده تر در مورد AIS نیز صحیح باشد، گر چه این مسئله به طور تجربی تحقیق نشده است. همان طور که کوار (2003) مشاهده کرد این همگونی با در نظر گرفتن تأکید AECC بر نیاز به تنوع در حرفه، بسیار فراگیر است.

نیاز به تنوع به خاطر احتیاج به مهارت هایی که مخصوص دیگر تخصص های حسابداری نباشند کاملاً با AIS مرتبط است. ولی جدا از اینکه چه کسی حسابداری و AIS را انتخاب می کند، باید بدانیم که چرا آنها را انتخاب می کند. MBTI می تواند برای روشن کردن این مطالب به کار رود.

گروه ها می توانند بیاموزند که چگونه فرآیندهای تصمیم گیری جمعی را از طریق PTT و MBTI طراحی کرده به طرز مؤثری آنها را ترکیب کنند. علاوه بر این، چون گروه ها از افرادی تشکیل شده اند، که در طی دوره ی وجود گروه می توانند به گروه افزوده یا از آن حذف شوند. مثلاً یافته ی چنگ (2003) نشان می دهد که گروه های با ترجیحات مختلط S و V، از گروه های تنها متشکل از افراد با ترجیح S سبقت می جویند. همینطور یک گروه متشکل از درون گرایان، ممکن است به وجود یک برون گرا برای رونق بخشیدن به ارتباطات، نیاز داشته باشند تا برای جریان های تصمیم گیری، ساختار منطقی تری ایجاد کنند.

بالاخره سازمان ها از MBTI در ارزیابی مردم برای شغل ها و وظایف استفاده می کنند. کارفرمایان باید این رویه را با دقت به کار برند؛ جالب اینکه مایرز در مورد استفاده از MBTI در تعیین موقعیت شغلی هشدار می دهد. با این وجود، در بسیاری از کاربردهای MBTI فرض بر این گذاشته شده که به طور متوسط، خصیصه های بخصوصی، عملکرد بهتر در شغل ها، کارها و فن آوری های بخصوص همبستگی دارند. این زمینه نیز قابلیت تحقیقات بیشتر را در AIS داراست.

نتیجه گیری

تحقیقات رفتار شناسی AIS تحت تسلط الگوی علم شناخت قرار دارد. با این وجود، در حالی که علم شناخت، الگوی غالب در روانشناسی است، تعداد فزاینده ای از محققان، گستره ای را که شناخت، در آن گستره ذهن و رفتار را به طور کامل توضیح می دهد، مورد پرسش قرار می دهند. نظریه ی نوع شخصیت که ریشه در کار جانگ دارد یک چشم انداز مبدل را پیش رو می گذارد که محققان می توانند در رابطه با علم شناخت از آن استفاده کنند. PTT و یک ابزار اندازه گیری آن (منظور، MBTI یا همان شاخص مایرز - بریگز است) می تواند در مطالعه ی تحقیقات مختلف AIS ارزشمند باشد، خصوصاً در زمینه ی روش شناختی.

در این مقاله، راه های زیادی پیشنهاد گردید که در آن ها PTT برای مربیان، متخصصان و محققان AIS قابل اجراست. به عنوان مثال: موضوعات آموزشی گوناگون در ارتباط با گونه های دانشجویانی که به AIS کشیده می شوند، نوع دانشکده ای که AIS را تدریس می کند و وسایل و روش های آموزشی که ما وارد آموزش AIS می کنیم، وجود دارد. همچنین مفاهیم عملی بسیاری وجود دارد که وابسته به گونه های شخصیتی هستند. مثلاً فارغ التحصیلان AIS در انجام کارهای تخصصی شان تا چه حد، کارآمد هستند؟ و اینکه آنها در محیط های تصمیم گیری گروهی تا چه اندازه با دیگران راحت هستند و در هماهنگ شدن با فرهنگ های تشکیلاتی و حسابداری مختلف تا چه اندازه موفقند. هم چنین فرصت های تحقیقاتی آتی بیشماری وجود دارد که می تواند متکی بر PTT باشد و از MBTI استفاده کند. تعدادی از موضوعاتی که محققان AIS می توانند بررسی کنند، شامل کسب بینش عمیق تر نسبت به پیچیدگی های بر هم کنش های انسان و ماشین، درک اثرات حالت روحی و اثرگذاری بر

شناخت و رفتار، هماهنگ کردن محرک های انگیزشی با گونه های شخصیتی، ایجاد سیستم های مؤثرتر پشتیبانی از تصمیم گیری گروهی، و هدف قرار دادن گزینه های میانجی تحت اختیار کاربر، چنانچه نشان داده شد: PTT و MBTI برای موضوعات متنوع زیادی در AIS مناسب هستند.

هوبر معتقد بود، که پیشرفت ناکافی نظریه، ابزارهای اندازه گیری غیر قابل اطمینان و طرح های ضعیف تحقیقات از جمله مشکلاتی هستند که جلوی تحقیقات روش شناختی را می گیرند. ما معتقدیم که محققان می توانند با استوار کردن چنین مطالعاتی بر پایه PTT با استفاده از MBTI، تا حدودی بر این مشکلات غلبه کنند. با اینکه محققان در زمینه های غیر حسابداری ارزش PTT را از این نظر ستوده اند و MBTI که در زمینه های حسابداری منتشر شده اند، بسیار کم است، PTT و MBTI محدودیت های دست و پا گیری دارند. با این وجود آنها فرصت های زیادی برای محققان AIS بوجود می آورند، خصوصاً به این خاطر که PTT یک مدل پردازنده زیربنای انسانی را شبیه مدل ورودی / پردازش / خروجی / بازخورد که در سیستم های اطلاعاتی رایج است، در خود می گنجاند و یک چارچوب بافتی بدست می دهد تا در آن تحقیقات AIS مبتنی بر پردازش اطلاعات جایگزین شود. ما معتقدیم که علم شناخت و PTT ذهن انسان را به طور کامل توضیح نمی دهند، بلکه معتقدیم که نقطه های قوت مکمل ارائه شده از سوی هر دو چشم انداز به خلق یک نقشه چند بعدی از ذهن کمک می کند، که بوسیله هیچ یک از آن دو به طور جداگانه نمی تواند ارائه شود.

*عضو انجمن حسابداری ایران

Accounting information systems research opportunities using personality type theory & the myers-briggs type indicator

Abstract: the cognitive science paradigm, with its computational and information processing models of the human mind, dominates much of current accounting information systems (AIS) research. While these models aid our understanding of cognition, it is unclear how much of the mind they explain. Personality type theory (PTT) is one supplement to cognitive science. PTT is especially useful for AIS researchers because an extensively tested and validated psychometric instrument based on PTT, the Myers-Briggs type indicator (MBTI), is available for use in practice and research. We provide an overview of PTT and the MBTI and discuss how AIS researchers can use PTT to complement and extend current research initiatives. We highlight opportunities for PTT-based AIS research by posing research questions, the investigation of which contributes to the AIS literature.